

پیام نوروزی کمیته مرکزی حزب توده ایران

هم میهنان عزیز!

کمیته مرکزی حزب توده ایران، فرا رسیدن نوروز باستانی، این خجسته سنت دیرین نیاکان ما، جشن پیروزی کاوه و زحمتکش بر ضحاک و مستبدان و رستاخیز نو شدن طبیعت و فرا رسیدن بهار و سال نو را به شما تبریک می گوید و امیدوار است که سال نو سال کامیابی های بزرگ مردم و جنبش مردمی در نبرد بر ضد ارتجاع و رژیم استبدادی حاکم باشد.

ایران سالی دشوار و پر حادثه را پشت سر گذاشت. ارتجاع حاکم با بهره جویی از ضعف ها و عقب نشینی های اصلاح طلبان حکومتی توانست یورش های پی در پی را بر ضد جنبش مردمی سازمان دهی کند و ضربات جدی را بر جنبش وارد آورد. دستگیری ده ها تن از شخصیت های سیاسی - اجتماعی فعال و مدافع روند اصلاحات، ادامه فشار بر مطبوعات دگراندیش، تضییقات وسیع بر ضد نیروهای اجتماعی، خصوصاً جنبش دانشجویی، زنان، کارگران و زحمتکشان در مجموع جنبش اصلاحات را در بن بست دشواری قرار داد. شرکت میلیونی توده ها در جریان انتخابات ۱۸ خرداد سال ۱۳۸۰، از جمله آخرین آزمون های مردم با نظر اصلاح طلبان حکومتی بود که امیدوار بودند می توان «آزادی ها و جامعه مدنی» را در چارچوب رژیم واپس گرا و عمیقاً ضد مردمی رژیم ولایت فقیه تحقق بخشید. مردم هوشیار و آگاه میهن ما به تجربه سال ها درگیری مستقیم با مرتجعان حاکم می دانند که در چارچوب رژیم کنونی دست یابی به اصلاحات بنیادین، آزادی و حقوق دموکراتیک ممکن نیست. حقیقت روشن این است که روحانیت حاکم، به عنوان نمایندگان کلان سرمایه داری تجاری و سرمایه داری مالی و انگلی کشور، نه تنها هیچ علاقه ای به تحقق آزادی و حاکم شدن مردم بر حقوق خود ندارد بلکه با این آرمان ها و ارزش های میلیون ها ایرانی در تضاد آشتی ناپذیر قرار دارد. تجربه بیش از دو دهه تاریخ اخیر کشور ما نشان داده است که برای واپس گرایان حاکم مهمترین مسأله حفظ اهرم های حاکمیت سیاسی به هر قیمتی است. جنایات تکان دهنده مرتجعان حاکم از کشتار هزاران زندانی سیاسی، تا ترور دگراندیشان در درون و بیرون از مرزهای ایران، در کنار زندانی و شکنجه کردن هزاران انسان آزاد اندیش و مبارز سند محکم و انکار ناپذیر محکومیت کسانی است که مدعی اند حکومت شان «الهی» است و در برابر هیچ کس، هیچ نهاد و نیرویی خود را پاسخگو نمی بینند. در چنین رژیم و ساختار ضد مردمی بی تنها با مبارزه وسیع، پیگیر و متحد وسیع ترین بخش های جامعه است که می توان مرتجعان حاکم را وادار به عقب نشینی کرد و خواست های جنبش را به پیش برد.

هم میهنان عزیز

تحولات خارج از مرزهای ایران، تهدیدات آمریکا بر ضد ایران و تلاش نیروهای ارتجاعی، چه در درون حاکمیت و چه در بخش کوچکی از نیروهای اپوزیسیون که حمله نظامی آمریکا به ایران برای دست یابی مجدد به حکومت دل بسته اند، بر بغرنجی اوضاع کشور افزوده است. ما از یک سو شاهد آنیم که ارتجاع حاکم، از ولی فقیه تا دیگر سخنگویان ریز و درشت رژیم با بزرگ کردن خطر خارجی، دگراندیشان، مبارزان راه آزادی و اصلاح طلبان را به همکاری با دشمنان خارجی ایران متهم می کنند و مترصدند تا از این بهانه برای خاموش کردن جنبش بهره جویند. در سوی دیگر هستند کسانی که تلاش می کنند با ستارو سازی و مقایسه وضعیت ایران و افغانستان، آمریکا و دیگر کشورهای خارجی را به دخالت در اوضاع داخلی ایران تشویق کنند. تاریخ میهن ما و منطقه گواه بر آن است که دخالت خارجی در امور داخلی کشورها نه تنها نمی تواند راه گشای تحولات مثبت به نفع منافع مردم باشد، بلکه همواره به اسارت کشور و حاکمیت حکومت های استبدادی وابسته منجر شده است. در چنین اوضاع و شرایطی است که نیروهای مترقی و آزادی خواه و همه کسانی که به سرنوشت کشور علاقمندند با اتکاء به نیروی مردمی در مقابله چنین توطئه هایی ایستادگی می کنند و اجازه نخواهند داد تا سرنوشت مردم میهن ما در زویندهای خارجی به حراج گذاشته شود.

کمیته مرکزی حزب توده ایران بار دیگر همه نیروهای آزادی خواه، ملی و مترقی کشور را فرا می خواند تا به دور از اختلافات نظری حول نیاز مشترک جامعه ما یعنی مبارزه بر ضد رژیم استبدادی ولایت فقیه گرد آیند و راه را برای تحولات بنیادین به سمت تحقق آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی بگشایند. باید با سازماندهی مبارزه متحد توده ها، با برنامه سیاسی مشترک فشار بر ارتجاع حاکم را تشدید کرد. جنبش مردمی می تواند ارتجاع حاکم را با شکست روبه رو کند. این جنبش را باید هر چه وسیع تر به صورت هماهنگی سازماندهی کرد. بیابید سال نو را به سال تحقق اتحاد وسیع و همه جانبه نیروهای ضد استبدادی تبدیل بکنیم.

همه با هم برای تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری در راه طرد رژیم «ولایت فقیه» برای استقرار آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲۰ اسفندماه ۱۳۸۰

ضمیمه

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

ضمیمه ۶۲۹، دوره هشتم

سال هجدهم، ۲۱ اسفندماه ۱۳۸۰

«مصادیق» شکنجه در رژیم ولایت فقیه

در هفته های اخیر خبرهایی در مطبوعات انتشار یافت مبنی بر اینکه مجلس قرار است طرح مصادیق شکنجه را بررسی و تصویب کند. روزنامه آزاد، سه شنبه ۱۴ اسفند با انتشار این خبر که قرار است در جلسه مجلس این طرح مورد بررسی و تصویب قرار گیرد، می نویسد: «با وجود آنکه طی سال های اخیر اعمال شکنجه در خصوص برخی متهمان که آشکارترین نمونه آن شکنجه متهمان قتل های زنجیره ای بود تا جایی که آنان را به منظور شکایت از شکنجه گران به کمیسیون اصل ۹۰ مجلس کشاند، ولی تاکنون هیچ قدرت قانونی به منظور تحقق بخشیدن به اصل ۳۸ قانون اساسی و پیشگیری از تخلف برخی دستگاه ها در تعرض به این اصل از سوی نهاد قانونگذاری کشور به تصویب نرسیده است.» گزارش روزنامه مزبور این طور تلقین می کند که شکنجه های وحشیانه برضد نیروهای مترقی و آزادی خواهان مربوط به دوره زمانی کوتاه می شود که در برگیرنده مقطع زمانی بعد از دوم خرداد است. مواردی که برخلاف تلقیات ارائه شده نه مربوط به مقطع زمانی فعلی که به درازی عمر این رژیم سرکوبگر است. حتی اگر به همین مقطع زمانی مورد اشاره اصلاح طلبان حکومتی هم استناد بکنیم، موارد وحشتناکی وجود دارد که در گزارش خبری همین روزنامه در تاریخ ۱۵ اسفند آورده شده است و مربوط به کلیات طرح مزبور در مجلس می باشد. بر اساس کلیات این طرح، هر گونه اذیت و آزار بدنی برای گرفتن اقرار

ادامه در صفحه بعد

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»

محکومیت سلامتی و توقیف «عصر ما»

هفته گذشته به دنبال اعلام محکومیت محمد سلامتی، دبیر کل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و توقیف هفته نامه «عصر ما» ارگان مرکزی این سازمان از سوی قوه قضائیه رژیم ولایت فقیه، این سازمان در یک نامه سرگشاده به رئیس قوه قضائیه خواستار آن گردید که تمامی اعضای این سازمان به همراه قضایه خواستار آن گردید که تمامی فرستاده شوند. این نامه سرگشاده که متن کامل آن در روزنامه «بنیان»، ۱۸ اسفند درج گردیده، ضمن تشریح این مسأله که نشریه فوق یک نشریه حزبی است و زیر نظر شورای سیاسی اداره می شود و اختیارات و مسئولیت مطالب به عهده تمامی اعضای این شورا می باشد، و تنها به دلیل اجرای قانون محمد سلامتی به عنوان مدیر مسئول معرفی گردیده، در مخالفت با حکم می نویسد: «چنانچه

ادامه «مصادیق» شکنجه در

«عصر ما» از منظر قوه قضائیه یا قاضی مامور به رسیدگی، مرتکب انتشار مطلبی مجرمانه شده باشد، همه اعضای شورای سیاسی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران خود را در جرم مورد نظر سهیم و شریک دانسته و بر اساس منطق حقیقت و عدالت، خواهان آنیم که تحمل زندان مقرر را به همه مسئولان واقعی تقسیم کنید... ما بدین وسیله اعلام می داریم که آماده ایم تا مجازات زندان را به جرم آنچه که در دفاع از جنبش اصلاح طلبی ملت ایران نوشته و منتشر کرده ایم بپذیرا باشیم و به رغم ظواهر قانونی موجود در قانون مطبوعات، نه شخص محمد سلامتی، بلکه همه اعضای شورای سیاسی را روانه حبس و زندان کنید. بستن هفته نامه «عصر ما» و یورش به سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، بخش دیگری از تهاجم وسیع ارتجاع حاکم بر ضد نیروهای دگراندیش «خودی» است. نیروهای مترقی و آزادی خواه، از جمله حزب توده ایران، بررغم مخالفت ها و تفاوت های جدی نظری که با برنامه ها و سیاست های سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی داشته و دارند بستن هفته نامه «عصر ما» و یورش به این سازمان را بشدت محکوم می کنند.

یا غیر آن، نگهداری زندانی به صورت انفرادی یا نگهداری بیش از یک نفر در سلول انفرادی، بازجویی در شب، بی خوابی دادن به زندانی، رو به دیوار قرار دادن زندانی در حین بازجویی، اعمال فشار روانی به زندانی، فحاشی، به کار بردن کلمات رکیک، توهین یا تحقیر زندانی در حین بازجویی یا غیر آن، استفاده از داروهای روان گردان و کم و زیاد کردن داروهای زندانیان بیمار، بازجویی در غیر از موارد تفهیم شده، ممانعت از ارتباط ملاقات متهم با وکیل خود، فشار روانی از طریق اعمال فشار به خانواده زندانی، ممانعت از ملاقات هفتگی یا تماس تلفنی زندانی با خانواده اش، ممانعت از دسترسی به نشریات و کتب مجاز کشور، نگهداری زندانی در محل های با سر و صداهای آزار دهنده، استفاده از بلندگو با پخش نوارهایی که باعث فشار روانی بر زندانی می گردد، گرسنگی یا تشنگی دادن به زندانی، از مصادیق شکنجه قلمداد می گردد. به استناد خبرهایی که همین روزنامه های اصلاح طلب در جریان دستگیری دانشجویان، کارگران، روزنامه نگاران و نیروهای ملی-مذهبی و نهضت آزادی انتشار یافت، تمامی این حالات مورد استفاده قرار گرفته بود که نمونه زنده آن را نیروهای ملی-مذهبی در جریان آزادی های اخیر خود به اطلاع عموم رسانده اند. البته ما طرفدار شکنجه جنایت کارانی که در اجرای قتل های زنجیره ای دخالت داشتند و باعث قتل بهترین فرزندان میهن گردیدند نیستیم، اما با توجه به موارد زیاد و مشابه حمایت منحصر از مشتکی جنایت کار با چه توجیهی صورت می گیرد؟ موارد مطرح شده در کلیات طرح مزبور تنها گوشه بی کوچکی از انعکاس واقعیت های درون زندان های مخوف رژیم ولایت است. هر چند این طرح هم همانند دیگر طرح های قبلی با سد شورای نگهبان و یا مجمع تشخیص مصلحت نظام مواجه می شود اما این حقیقت که وجود و بقای رژیم ولایت فقیه تاکنون در پرتو اعمال چنین شیوه های وحشیانه بر ضد آزادی خواهان میهن استوار بوده است، به سختی بتوان انکار آن را به باور توده ها قبولاند.

اعلامیه جامعه علمی - فرهنگی کشور درباره زندانیان سیاسی

۶۹ نفر از اعضای جامعه علمی- فرهنگی کشور با امضای نامه ای خطاب به ملت ایران، اعلام کردند که بهترین اقدام جهت تقویت همبستگی و وفاق ملی، آزادی زندانیان سیاسی و اعاده حیثیت از آنان می باشد. در این نامه آمده است:

پس از ماه ها سکوت و بی اطلاعی از وضعیت زندانیان ملی- مذهبی، مدتی است که محاکمه غیر علنی آنان آغاز شده است و همچنان ادامه دارد. این سکوت خبری پس از صدور اطلاعیه های مقامات قضایی تهران و انتشار آن در رسانه های عمومی انجام گرفت که در آنها دستگیر شدگان به اقدام برای براندازی نظام جمهوری اسلامی از طریق استحاله فرهنگی نفوذ در ارکان نظام و حتی اقدام مسلحانه متهم شده بودند. گرچه مبنای آن اطلاعیه ها، چنین اتهام سنگینی فقط به بریده هایی از مقالات و سخنرانی های دستگیر شدگان مستند شده بود و هیچ دلیل دیگری برای آنان بیان نشده بود، با این حال، با توجه به آنچه در یادداشت «تحریف آشکار» روزنامه نوروز سوم بهمن آمده بود، به نظر می رسد متأسفانه آن بریده های مطالب نیز با آنچه در اصل از سوی دستگیر شدگان بیان شده بود، کاملاً متفاوت است.

در ادامه عنوان شده است: « نکته تأسف بارتر آنکه طی این مدت نامه های بسیاری از سوی خانواده محترم دستگیر شدگان، شخصیت های حقیقی و حقوقی سیاسی، افراد دانشگاهی و علمی کشور به مقامات کشوری برای رعایت موازین قانونی نوشته شده بود، ولی نتیجه ای حاصل نگشته است. با این حال، وقتی در روز ورود دبیر کل سازمان ملل، تجمعی قانونی و آرام در مقابل دفتر سازمان ملل برگزار می شود، تجمع کنندگان که زنان و فرزندان زندانیان بودند، در همان دقائق اولیه مورد هجوم افراد لباس شخصی قرار گرفتند.»

امضاء کنندگان نامه در ادامه ضمن محکوم کردن آنچه از آن به عنوان اعمال خلاف قانون یاد کرده اند تصریح نموده اند:

۱- گرچه جرم سیاسی تعریف نشده است و همین امر موجب شده تا دادگاه ها غیر علنی و بدون هیات منصفه برگزار شود، ولی اتهام براندازی نظام را اتهامی سیاسی می دانیم و معتقدیم بر طبق اصل ۶۸ قانون اساسی، باید دادگاهی صالحه، علنی و در حضور هیات منصفه به ادعای نام مطروحه رسیدگی کند.

۲- نحوه دستگیری و تداوم آن را تخلف از اصل ۳۲ قانون اساسی می دانیم، از این رو خواهان برخورد قانونی با متخلف و یا متخلفان می باشیم.

۳- دستگیر شدگان از چهره های سرشناس و مورد وثوق هستند که افرادی همچون مهندس سبحانی، دکتر بیمنان، دکتر رئیس طوسی، مهندس توسلی و... سابقه مبارزاتی طولانی و حتی تحمل زندان های طولی المدت در رژیم سابق داشته اند.

پس از انقلاب نیز گفته ها و نوشته هایشان از باب «نصیحه الملوک» و نقد عمل حاکمان به قصد اصلاح امور و حفظ سرمایه های ملی در سایه وفاق و یکپارچگی ملی بوده است.

۴- با توجه به وضعیت کنونی کشور و گسترش بحران های اجتماعی و نیز آرایه چهره ای نامطلوب از وضعیت داخلی، به نظر می رسد با آغاز بیست و چهارمین سال پیروزی انقلاب اسلامی، برای زدودن بخشی از ناهمواری ها از چهره انقلاب و تقویت همبستگی و وفاق ملی، بهترین اقدام، آزادی زندانیان سیاسی و اعاده حیثیت از آنان می باشد.

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

- 1- Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
- 2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
- 3. <http://www.tudehpartyiran.org>
- 4. E-mail: mardom@tudehpartyiran.org

Supplement to Nameh Mardom-NO 629
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

12 March 2002

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما
۰۰-۲۹-۳۰-۳۲۲۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام IRAN e.v.
شماره حساب 790020580
کد بانک 10050000
بانک Berliner Sparkasse